عنوان:

ریشه فسادهای اخلاقی

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-240 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/رذائل و فضائل/رذائل/سطح شناخت |
| برچسب | تزکیه، تربیت نفس، رذائل، اخلاق، حسد، فسادهای اخلاقی، امام خمینی |
| توضیحات |  |

 ايمان، كه حظ قلب است، غير از علم، كه حظ عقل است، مى‏باشد. كليه مفاسد اخلاقى و اعمالى از اين است كه قلب بيخبر از ايمان است و آنچه عقل ادراك به واسطه برهان عقلى يا اخبار انبيا كرده به قلب نرسانده و دل از او بيخبر است. يكى از معارفى كه حكيم و متكلم و عامه مردم از اهل شرايع تصديق دارند و جاى شبهه براى احدى نيست، آن است كه آنچه به قلم قدرت حكيم على الاطلاق، جلّت قدرته، جريان پيدا كرده، از وجود و كمالات آن و از بسط نعمت و تقسيم آجال و ارزاق، بهترين نقشه و جميلترين نظام است و مطابق با مصالح تامه، و نظام كلى اتم نظام متصوّر است. منتها هر يك به لسان خاص خود و اصطلاح مخصوص به فن خود طورى بيان اين لطيفه الهيه و حكمت كامله را كرده [اند]: عارف گويد: ظلّ جميل على الاطلاق جميل على الاطلاق است. حكيم گويد: نظام عينى مطابق نظام علمى، خالى از نقص و شرور است، و شرور متوهمه جزئيه براى رساندن موجودات به كمالات لايقه به خود است.[[1]](#footnote-1) و متكلم و اهل شرايع گويند: حكيم افعالش از روى حكمت و صلاح است، و دست عقول جزئيّه محدوده بشر از دامن ادراك مصالح [كامنه‏] در تقديرات الهيه كوتاه است.[[2]](#footnote-2) اين مطلب در لسان همه جريان دارد و هر كس به اندازه سعه علم و عقلش براى آن برهانى اقامه كرده، ولى چون از حد قيل و قال تجاوز نكرده و به مرتبه قلب و حال نرسيده، لسانهاى اعتراض باز است و هر كس حظ ايمانى ندارد، به لسانى تكذيب قول و برهان خود كند. فسادهاى اخلاقى هم روى اين زمينه است: آن كس كه حسد مى‏ورزد و زائل شدن نعمت غير را آرزو كند و كينه صاحب نعمت را در دل دارد، بداند كه ايمان ندارد كه حق تعالى از روى صلاح تام اين نعمت را نصيب او كرده و دست فهم ما از آن كوتاه است. و بداند كه ايمان ندارد به عدل خداى تعالى و قسمت را عادلانه نمى‏داند. تو در اصول عقايد مى‏گويى خداى تعالى عادل است، اين جز لفظ چيز ديگر نيست: ايمان به عدل با حسد منافى است. تو اگر او را عادل مى‏دانى، تقسيم او را هم عادلانه بدان. چنانچه در حديث شريف فرمود حق تعالى مى‏فرمايد: «حسود روبرگردان است از قسمتهايى كه بين بندگان كرده‏ام، و غضبناك است از نعمتهاى من.» قلب فطرتا در مقابل قسمت عادلانه خاضع است و از جور و اعتساف فطرتا گريزان و متنفر است. از فطرتهاى الهيه، كه در كمون ذات بشر مخمّر است، حب عدل و خضوع در مقابل آن است، و بغض ظلم و عدم انقياد در پيش آن است، اگر خلاف آن را ديد، بداند در مقدمات نقصانى است. اگر ساخط از نعمت و معرض از قسمت شد، از آن است كه آن را عادلانه نمى‏داند، بلكه، نعوذ باللّه، جائرانه مى‏داند، نه اينكه قسمت را عادلانه مى‏داند و از او معرض است، و نقشه را مطابق نظام اتمّ و مصالح تامه مى‏داند و غضبناك از اوست. هيهات كه ايمان ما ناقص است و مطالب عقلى برهانى از حد عقل و ادراك به حدّ قلب وارد نشده. ايمان به گفتن و شنيدن و خواندن و بحث و قيل و قال نيست، خلوص نيت مى‏خواهد.

خداجو خداياب است، معارف طلب معارف جوست.

من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلا[[3]](#footnote-3).

و من لم يجعل اللّه له نورا فما له من نور[[4]](#footnote-4).

امام خمینی(ره)، چهل حديث(اربعين حديث)، ص: 112

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور

1. - اسفار اربعه، ج 7، ص 55- 105 سفر سوّم، موقف هشتم، فصل 1 تا 9. [↑](#footnote-ref-1)
2. -كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، ص 234، مقصد سوم، فصل دوم. [↑](#footnote-ref-2)
3. «هر كسى در اين جهان نابينا بوده باشد، در آخرت نيز نابينا و گمراهتر خواهد بود.» [↑](#footnote-ref-3)
4. «هر كه خداوند براى او نورى قرار نداده، هيچ نورى براى وى نيست.» (نور- 40). [↑](#footnote-ref-4)